

### متن پرسش

جناب استاد طاهر زاده با عرض سلام و احترام: برای توکل کردن به حضرت حق در امور دو دیدگاه در ذهن خود دارم: اولی همان دیدگاه توحیدی و باور همه کاره بودن خداوند و بقول جناب مولوی: «چون که رخنه نیست در عالم پدید / خیره یوسف وار می‌باید دوید» و دومی همان داستانیست که از حضرت پیامبر موقع بستن زانوی شتر نقل کرده اند همانکه جناب مولوی می‌فرمایند با «توکل زانوی اشتر ببند». هر چه می‌اندیشم برای مورد دوم هیچ سنخیتی با مورد اول نمیابم و در ذهن خود به تناقض رسیده‌ام و بنظرم در این مورد حق با صحابه ی پیامبر است وقتی داریم کارهایمان را حتی در کارهای جزئی مثل بستن زانوی شتر به درستی و محکمی انجام می‌دهیم دیگر چه جایی برای توکل باقی می‌ماند؟ مثلاً به طور خاص اگر در امر تصمیم برای ازدواج وقتی هیچ شرایطی حتی شرایط حداقلی (مسکن و درآمد مطمئن) را نمی‌توان به طور محکم و جدی فراهم کرد پس نباید ازدواج کرد و توکل نوعی توهم ذهنی است! جناب استاد لطفاً جهت حل این تناقض بنده را یاری بفرمایید. با کمال تشکر از لطف حضرت عالی

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: جهانی که در آن زندگی می‌کنیم ظرفیت آن را دارد که نیازهای منطقی ما را جواب دهد و از این جهت تلاش می‌کنیم هرچند در ابتدای امر رخنه‌ای به چشم نیاید. از طرف دیگر در این جهان و همراه با این تلاش‌ها با هرکاری که روبه‌رو شدیم باید احتیاط‌های لازم را در حدّ توان خود انجام دهیم تا در عین حضور در جهان با ظرفیت‌های خاص و امید به گشوده‌شدن راه، با بی‌باکی جلو نرویم. موارد زیادی پیش آمده که بعضی‌ها پس از گشوده‌شدن رخنه‌ها با بی‌باکی عمل کردند و زانوی اشتر را نبستند و به مشکل افتادند. موفق باشید